

Believing Thomas

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church on April 27th, 2025 – John 20:19-31)

در فیلم «کنفرانس محرمانه»، کاردینال لارنس کسی است که وظیفه‌اش اداره کردن کنفرانس محرمانه است. مجمع محرمانه، فرآیند

انتخاباتی است که به صورت مخفیانه برای انتخاب پاپ جدید تشکیل جلسه می‌دهد. او شخصیت پیچیده‌ای است که شخصاً با ایمان خودش دست و پنجه نرم می‌کند. در حالی که آنها برای انتخاب پاپ جدید گرد هم می‌آیند، زد و بندهای زیادی در جریان است.

در جایی، کاردینال لارنس در مورد قطعیت اظهار نظری می‌کند. او می‌گوید: «یک گناه هست که من بیش از همه از آن می‌ترسم. یقین. یقین دشمن بزرگ وحدت است. یقین دشمن مرگبار مدارا است. حتی مسیح هم در پایان مطمئن نبود. خدای من چرا مرا رها کردی؟ او در ساعت نهم روی صلیب فریاد زد. ایمان ما یک چیز زنده است، دقیقاً به این دلیل که دست در دست هم پیش می‌روند. اگر فقط یقین و بدون شک وجود داشت، هیچ رازی وجود نمی‌داشت و بنابراین نیازی به ایمان نبود.»

از نظر او، یقین داشتن واقعی می‌تواند هم وحدت و هم تفاهم را متوقف کند. او می‌گوید ایمان حقیقی هم به شک و هم به رمز و راز نیاز دارد. قطعیت می‌تواند مانع از یافتن زمینه‌های مشترک توسط افراد شود و پذیرش دیدگاه‌ها و نظرات مختلف را دشوار کند و در نتیجه منجر به عدم تحمل شود.

شاید او می‌گوید که ایمان واقعی تغییر می‌کند و تکامل می‌یابد و پذیرفتن شک در واقع ایمان را تقویت می‌کند. ایمان به فضایی برای شگفتی و کاوش نیاز دارد.

انگار برادر لارنس داستان توماس را خوب می‌داند.

قرن‌هاست که از توماس به بدی یاد می‌شود. به او «شک‌گرا»، «بدبین»، «شکاک»، «بی‌اعتقاد» و بدتر از آن می‌گویند. می‌خواهم امروز صبح بگویم که هیچ‌کدام از این‌ها واقعاً منصفانه نیست.

بیایید دوباره به داستان ظهور رستاخیز که امروز پیش روی ماست، نگاهی بیندازیم.

شاگردان پس از وقایع روز عید پاک، وحشت‌زده و از دید مقامات پنهان شده، دور هم جمع شده‌اند، بی‌شک از آنچه ممکن است بعداً برایشان اتفاق بیفتد، بیمناکند. خودشان را از دنیا جدا کرده‌اند.

در این فضا است که عیسی ترس آنها را می‌شکند و به آنها می‌پیوندد و هم کلام صلح و هم مأموریتی را به آنها می‌دهد - رفتن به جهان و بخشش.

به دلایلی توماس در آن زمان حضور ندارد. ما واقعاً نمی‌دانیم چرا. شاید او هم به همان اندازه ترسیده بود اما جای دیگری پنهان شده بود. شاید او فقط نیاز داشت تنها باشد تا فکر کند و غصه بخورد. شاید او به سادگی به زندگی قبلی خود بازگشته بود و فکر می‌کرد همه چیز تمام شده است، و پیروی او از عیسی به هیچ نتیجه‌ای نرسیده بود.

با این حال، به نظر می‌رسد که شاگردان دیگر موفق می‌شوند او را پیدا کنند و از تجربه خود برایش بگویند.

توماس در مورد داستان آنها چند سوال و شک داشت. او فقط مدرک می‌خواهد، مدرکی که دیگران دیده بودند، آنها جای زخم‌های دست‌ها و پاهای عیسی را دیده بودند، این تنها چیزی بود که او می‌خواست. غرق در غم، نامطمئن از آنچه در پیش رو داشت، ایستاده بر سر یک دوراهی، فقط می‌خواست نوعی نشانه پیدا کند. به

عنوان نشانه‌ای برای اینکه به او بگویند این کار بیهوده نبوده است، و پیروی از عیسی معنایی دارد.

ما چندین بار در انجیل یوحنا با توماس ملاقات کرده‌ایم و او معمولاً سؤالاتی می‌پرسد، سؤالاتی که شاید دیگران آمادگی ندارند آنها را با صدای بلند مطرح کنند.

ما برای اولین بار با توماس، یکی از دوازده نفر، زمانی که عیسی درباره مرگ خودش صحبت می‌کند، آشنا می‌شویم، درست زمانی که همه آنها از مرگ ایلعازر مطلع می‌شوند. بنابراین در اینجا توماس با اعتماد به نفس می‌گوید که آنها به عنوان پیروان عیسی باید از او پیروی کنند و اگر این به معنای مردن با او باشد، باشد که

چنین شود. (یوحنا ۱۶: ۱۱)

ما دوباره او را ملاقات می‌کنیم، زمانی که عیسی با شاگردان درباره عزیمت قریب‌الوقوع خود صحبت می‌کند، اینکه او می‌رود، و اینکه هر جا می‌رود، مکانی برای آنها آماده می‌کند و برای آنها باز خواهد گشت. عیسی به شاگردانش می‌گوید که آنها راه جایی را که او می‌رود می‌دانند.

توماس حالا دیگر با اعتماد به نفس سابقش صحبت نمی‌کند و سوالی می‌پرسد.

Believing Thomas

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist Church on April 27th, 2025 – John 20:19-31)

«خداوند، ما نمی‌دانیم تو به کجا می‌روی، پس چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟» (یوحنا ۵: ۱۴)
و عیسی چگونه به سوال توماس پاسخ می‌دهد؟ او یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های کتاب مقدس را ارائه می‌دهد، زیرا می‌گوید: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس جز به وسیله‌ی من نزد پدر نمی‌آید. ۷ اگر واقعاً مرا می‌شناسید، پدر مرا نیز خواهید شناخت. از این پس، او را می‌شناسید و او را دیده‌اید.» (یوحنا ۱۴: ۷-۵). عیسی راه است.

در این موقعیت، توماس را می‌بینیم که اکنون با شاگردان جمع شده است، اما هنوز مطمئن نیست و به دنبال نوعی نشانه می‌گردد. و او نشانه‌ای دریافت می‌کند. دوباره، عیسی با کسانی که جمع شده بودند، سخنان صلح‌آمیز می‌گوید. عیسی از توماس می‌خواهد که او را لمس کند تا مدرکی که نیاز دارد را داشته باشد. به ما گفته نشده که توماس حتی لازم است او را لمس کند، اما به ما گفته شده که توماس «اعتراف مسیح‌شناختی» خود را انجام می‌دهد و عیسی را - پروردگار و خدای من - می‌خواند.

دارم فکر می‌کنم توماس آن روز چه انتظاری داشت؟ آیا او انتظار داشت عیسی را ببیند؟ اگر این کار را می‌کرد، آیا انتظار داشت که عیسی او را سرزنش کند، سرزنشش کند، و با او بحث کند؟ در عوض چه چیزی دریافت می‌کند - کلامی از صلح، پیشنهادی برای دیدن مدرکی که نیاز دارد. کلمه‌ای ملایم برای دست کشیدن از شک و تردید و صرفاً ایمان آوردن.

اینجاست که توماس ایمان خود را اعلام می‌کند - پروردگار من و خدای من، اما آیا او به خاطر این موضوع به یاد آورده می‌شود؟ نه، ما او را فقط به عنوان یک شکاک به یاد می‌آوریم. چرا ما اظهار ایمان او را نادیده می‌گیریم، چرا این کار را با مارتا یا پطرس، با وجود شک و تردیدهای آنها و در مورد پطرس، انکار، انجام نمی‌دهیم؟

اعلام عیسی به عنوان پروردگار و خدای خود در فضای زمان عیسی، کاری خطرناک بود. می‌بینی تنها کسی که تو او را پروردگار و خدای من می‌نامیدی، امپراتور بود، کسی که نماینده‌ی نیروی مهاجم بود. شکی نیست که چنین بیانی‌های می‌تواند باعث مرگ شما شود. توماس به هیچ وجه بزدل نیست، بلکه شجاعت عظیمی از خود نشان می‌دهد.

برای توماس اکنون برایش روشن شده است که عیسی راه، حقیقت و حیات آنهاست، او خداوند و خداست. توماس این موضوع را جدی می‌گیرد و به آن عمل می‌کند. او دیگر بی‌تفاوت، بی‌تفاوت یا پنهان‌کار نیست، او تغییر کرده و به گسترش انجیل در سراسر هند می‌پردازد، جایی که در آنجا به شهادت می‌رسد. توماس بیشتر از آنچه فکر می‌کنیم شبیه ماست. شک و تردید، واکنش طبیعی انسان به اتفاقات است. یک جستجوگر، یک پرسشگر، کسی که سعی دارد بفهمد چگونه زندگی‌اش توسط عیسی تغییر کرده است. پرسشگری و جستجوی او باعث شده است که واقعاً ایمانش را بپذیرد. تلاش او برای فهمیدن، او را به سمت اعتماد و پیروی سوق می‌دهد.

باشد که همه ما بیشتر مانند توماس باشیم، از پرسیدن سوال نترسیم، جستجو کنیم و وقتی پاسخ‌هایمان را یافتیم، از راه عیسی که سخنان صلح را در سراسر جهان بیان می‌کرد، پیروی کنیم و در حالی که مرده عیسی را با آنها به اشتراک می‌گذاریم، به همه بخشش ارائه دهیم.

اشکالی ندارد که مطمئن نباشی. توماس به ما نشان می‌دهد که کمی شک و تردید سالم، منجر به تعهد قابل توجهی برای پیروی از عیسی می‌شود. یقینی که توماس در اعتراف ایمان خود ابراز می‌کرد، بدون شک و تردیدها و پرسش‌هایش امکان‌پذیر نبود. بیایید توماس را به توماس مؤمن تغییر نام دهیم.